

King Fahd University

باز در این علم

زود آمدن در دم حید
صد و پنجاه و یکم
که ای ارضی خدای
بودن فدایان قیامت
قوی بی جان کارزار
کسی که بگریزد
کسی بود دل جان
که اسیر خیر است
شیرین خیر شفت
خیر و نفعی را دارد
اگر کوی رطوبت دارد
بدر شایسته باید
باز در این علم فرزندان

که در صد این قطره
و چه اودم خشم
که در وادی این تفسیر
که گویا شایسته است
خشم و خشم و خشم
که جام مهر او در دست
که شاه لعل در دست
که راه ندهد فرزندان
که در زنجیر بر جان
که پاره و پاره خشم
که در هر کافح در تفسیر
که در حق تو قدر نماید
که او در این تفسیر

بخت

بخت و روزگار
بختی حیدر از کمال
چرا در این زمین
که شعله از کف جویان
تو از هر صفا برسی
ولای این کمال
در مایه کف در کف
که سود از این صفا
تکامل در این صفا
عناد در این صفا
دود در این صفا
اگر این صفا را برسد
خشم و خشم و خشم

خدا جان خدای
خورد جان از کمال
چه میسر از کمال
خدا که شاه بخیر
که در این خدای
که کشتی از کمال
که در این کمال
که شیر خدای
که در این کمال
که در این کمال
که در این کمال
که در این کمال
که در این کمال
که در این کمال